

نادرشاه افشار



+ در تاریخ ها آمده است که در جهان دو سردار سرشناس هستند که
در شایستگی و آشنا بودن به زیر و بم جنگاوری نمونه می باشند:
+ یکی ناپلیون است

- + دیگری نادر شاه افشار می باشد
- + نادرشاه افشار یکی از پنج خوش گویان (شوالیه) برتر و فرماندهان جنگی جهان می باشد.
- + سخنان نادر شاه افشار:
- کمر بند پادشاهی، نشان نوکری برای سرزمینم است. نادرها بسیار آمده و باز هم خواهند آمد. اما ایران و ایرانی می باید همیشه در بزرگی و سروری باشد. این آرزوی همه عمرم بوده است.
- در درازای زندگی ام، شاهنامه فردوسی خردمند، راهنمای من بوده است.
- از دشمن بزرگ نمی باید ترسید. ولی باید از پشیمینه پوشی (صوفی منشی) جوانان ترس داشت.
- جوانی که از خواسته ها (آرمان ها) دوری جست نه تنها به هازمان (جامعه) یاری نمی رساند که باری است بر دوش هم میهنانش.
- اگر جانبازی جوانان ایران نباشد، نیروی ده ها نادر هم به جایی نخواهد رسید.
- ای خردمندان و دانشمندان سرزمینم، آزادی مرز و بوم کشور با سپاه من و آموزش و پرورش فرزندان آینده با شما. اگر سخن شما، مردم را آگاه کند، دیگر نیازی به شمشیر نادرها نخواهد بود.
- + نادر شاه افشار یکی از پادشاهان بزرگ ایرانی است که توانست از آب و خاک و آبروی ایرانیان پدافند (دفاع) کرده و ایران را به یکی از توانمندترین کشورهای جهان برساند. او یک میهن پرست راستین بود.
- + نادر شاه افشار در سال ۱۰۶۷ خورشیدی در کلات نادری چشم به جهان گشود.
- او از تیره افشار و بنیاد گذار دودمان افشاریه بود. تیره افشار در خراسان می زیستند. نادرشاه افشار یکی از پراوازه ترین پادشاهان

ایران، پس از اسلام است.

سرکوب افغان ها و بیرون راندن عثمانی ها و روسیه از کشور ایران از کارهای او بود. پیروز شدن و گشودن دهلی پایه و مایه نامور شدن او شد.

+ ما اگر بخواهیم از همه جنگهای نادرشاه افشار سخن بگوییم، مثنوی هفتاد من می شود. پس به همین اندازه بسنده کرده و می گوئیم:

+ مهین ترین جنگی که نادرشاه افشار کرد، جنگ با هندوستان بود. پس از پیروزی نادرشاه افشار در جنگ با هند، بخشی از آنچه که به نام «غنایم جنگی» با خود به ایران آورد چنین است:

- تخت فراشمُرغ (تخت طاووس) که تخت پادشاهان هند بوده است و از گوهرهای بی مانند روی زمین به شمار می رود.

- یک پارک (قطعه) الماس شناخته شده به سنگینی هشت مثقال که به دریای نور پرآوازه است.

- یک پارک دیگر الماس که به کوه نور پرآوازه است.

- بیشتر از شست هزار پوشینه نسک دست نوشته که به دستور

نادرشاه به « آستان قدس رضوی»

پیشکش شد.

- شمارِ بیشمارِ جنگ ابزار و ساز و برگ جنگی. از آن میان

دویست گردونه (عربه) توپ سنگین که هنوز

هم برخی از آنها در برخس از شهرهای ایران دیده می شوند.

+ به هنگام زاده شد او را نادرقلی نام نهادند. نادر هنوز به ۱۸ سالگی

نرسیده بود که در یکی از تاخت و تازهای ازبکان خوارزم دستگیر شد.

پس از مرگ مادر توانست فرار کرده و به خوراسان بازگردد. در آنجا در دستگاه ابیورد باباعلی بیک سرگرم کار شد.

+ در آن هنگام اشرف افغان به جنگ با نادر شتافت. در آن جنگ افغان

ها شکست خوردند و به سوی، سپاهان (اصفهان) و تهران گریختند.

نادر آنان را دنبال کرده و آنها را در زرقان پارس درهم کوبید. اشرف افغان کشته شد و شورش افغان ها فرو نشست. این جنگ ها و آشوب ها هفت سال به درازا کشید.

+ پس از جنگ های دیگر نادر به سوی مشهد روانه شد. در نزدیکی زنجان سوارانی نزد نادر رفته و خبر دادند که همگان به شایستگی شما باور دارند و پیشنهاد می شود که همچنان در ارتش ایران بمانید و کمر بند پادشاهی را بر کمر نادر بستند.

+ در سال ۱۱۲۶ خورشیدی، نادرشاه به خوراسان رفته بود. نادرشاه برای سرکوبی شورش مردم که به دشمنی با باژ (مالیات) بسیار برخاسته بودند، به خوراسان رفته بود + در همان شب گروهی از سردارانش به رهبری علی قلی خان، به چادر نادرشاه رفته و او را کشتند.

+ پس از مرگ نادرشاه، بسیاری از فرزندان و خانواده وی به دست برادرزاده اش، عادل شاه کشته شدند. علی قلی خان به اندازه ای از نادرشاه و خانواده اش کینه به دل داشت که کمر به کشتار همه فرزندان او بسته بود. تا جایی که علی قلی خان، دلش برای زنان باردار هم نسوخت و آنها را هم کُشت.

+ نادرشاه بزرگ به برتری و سود بازرگانی از راه دریا پی برده بود و کشتی هایی را برای دریای کاسپین و خلیج پارس خریداری کرده و یا ساخته بود.

+ نادر شاه بزرگ آرزوهای بسیاری در باره ایران می داشت. دریغ که دشمنان سوگند خورده ایرانزمین و آنانی که تنها به سود خود کار می کردند، نگذارند که او به آرزوهایش برسد.

اگر نادرشاه افشار و دلیری های او نبود از ایران هم جز نام، چیزی بر جا نمی ماند.

گرد آورنده : ژاله دفتریان

خورداد ۲۵۸۳ ایرانی
ژوین ۲۰۲۴ ترسایى